

## رابطه اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی

### (مطالعه‌ای در شهر یزد)

مسعود حاجی‌زاده میمندی،\* امیرمختار اسکندری فرد\*\*

#### چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی<sup>۱</sup> و وفاق اجتماعی<sup>۲</sup> در بین شهروندان یزدی است. وفاق اجتماعی را توافق عمومی بر سر قواعد و اصول اجتماعی و اعتماد را حسن‌ظن به افراد جامعه تعریف کرده‌اند. این تحقیق به روش پیمایش انجام شده است و داده‌های آن به وسیله پرسش‌نامه‌ای که اعتبار و پایایی لازم را داشته است از ۳۱۶ نفر از شهروندان یزدی گردآوری شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که شهروندان یزدی از نظر اعتماد اجتماعی با میانگین ۱۲۳/۴۹ و وفاق اجتماعی با میانگین ۱۷۶/۳۶ در وضعیت مطلوبی قرار دارند. آزمون همبستگی پیرسون نیز نشان داد که بین اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۶۷۸ رابطه معناداری وجود دارد. در بین ابعاد وفاق اجتماعی بعد احساسی با ضریب ۰/۶۸۱ بیشترین رابطه و بعد هنجاری با ضریب ۰/۲۴۵ کمترین رابطه معنادار را با اعتماد اجتماعی داشتند.

کلیدواژه‌ها: وفاق اجتماعی، وفاق هنجاری، وفاق ارزشی، وفاق احساسی و اعتماد اجتماعی.

\* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد [masoodhajizadehmeidandi@gmail.com](mailto:masoodhajizadehmeidandi@gmail.com)

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد [skandari\\_63@yahoo.com](mailto:skandari_63@yahoo.com)

<sup>1</sup> Social trust

<sup>2</sup> Social consensus

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۷

مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۲، صص ۳۷-۵۴

## مقدمه و طرح مسئله

به عقیده مارشال اصطلاح وفاق یا اجماع به موقعیت، نتیجه‌گیری یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها اشاره دارد که توافق مشترکی بر سر آنها صورت گرفته است (مارشال، ۱۳۸۸: ۲۰۲). گیدنز وفاق را توافق درباره ارزش‌های اجتماعی بنیادی اعضای یک گروه، اجتماع یا جامعه می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۷۸۵). شاید بتوان گفت مهم‌ترین ویژگی جامعه‌شناختی در کشورهایمانند ایران مسئله فرایند یک گذر تاریخی بزرگ است؛ گذر به انسان اقتصادی، انسان سیاسی، انسان ارتباطی و انسان اجتماعی (قدیمی، ۱۳۸۶: ۹۱). در این گذار موقعیتی برای جامعه به وجود می‌آید که باعث ایجاد شکاف‌هایی می‌شود که موجودیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد. آنچه در این وضعیت باید کانون توجه قرار گیرد مسئله وفاق اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۵).

از طرف دیگر، وجود نظم و همبستگی اجتماعی از جمله مسائل دولت-ملت‌ها در عصر جدید به ویژه در هنگامه جهانی شدن است. این از آن روست که یک پارچگی جهانی به ویژه در حوزه اقتصاد و نیز ترویج و تبلیغ سبک خاصی از زندگی، از طریق شبکه‌های جهانی، هویت‌ها و همبستگی‌های خرد اعم از پیوندهای قومی، مذهبی و دیگر پیوندهای فراملی را برجسته و همبسته تر می‌کند و در نتیجه به همبستگی‌ها و پیوندها در سطوح کلان‌تر از جمله همبستگی ملی صدمه می‌زند (دوریان و فرارو، ۱۳۸۶: ۹). این موضوع به خصوص در جوامعی که دارای تنوع و تکثر فرهنگی هستند بیشتر نمایان است. ایران از جمله این گونه جوامع به شمار می‌رود. این تنوع و گوناگونی در زمینه‌های مختلف اقلیمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی، جمعیتی و قومی به سادگی مشهود است. به تناسب این گوناگونی‌ها به ویژه تنوعی که در ساختار فرهنگی، سیاسی و قومی کشور وجود دارد، عقاید و سلاقی، گرایش‌ها و منش‌های سیاسی، اجتماعی و مطالبات متنوعی یافت می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۰: ۷۲). اکنون این پرسش مطرح می‌شود که در جامعه متکثری مانند ایران چگونه می‌توان با وجود این همه تنوع و تکثر و تعارض‌های ناشی از آن، نظم اجتماعی و پیوستگی جامعه را حفظ کرد؟ با شکل‌گیری این پرسش است که مسئله وفاق اجتماعی یکی از عوامل حفظ نظم و یک پارچگی جامعه مطرح می‌شود.

براین اساس می‌توان گفت وفاق اجتماعی عبارت است از توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعاملی اجتماعی شکل می‌گیرد که خود موجب انرژی عاطفی است. انرژی عاطفی هم‌زمان نتیجه و موجب توافق اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۷). اصطلاح وفاق اجتماعی با مفاهیمی مانند نظم اجتماعی، همبستگی اجتماعی و انسجام

اجتماعی هم‌خانواده‌اند، یعنی معمولاً در کنار هم و در ارتباط با یکدیگر به کار می‌روند، گرچه معادل نیستند (جعفری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۸).

یکی از عوامل مؤثر و مهم در انسجام و یک‌پارچگی جامعه، وجود اعتماد بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماع است. زمانی که اعتماد اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلف دچار فرسایش شود، نظم و انسجام اجتماعی نیز با دشواری مواجه می‌گردد (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۰). به عقیده برخی جامعه‌شناسان مانند زیمل بدون وجود اعتماد اجتماعی جوامع به سوی فروپاشی سوق داده می‌شوند، زیرا روابط میان افراد با عدم اطمینان همراه می‌شود (زیمل، ۲۰۰۴: ۱۷۸). اعتماد اجتماعی کارکردهای بسیاری برای جوامع امروزی دارد. اعتماد بن‌مایه کلیدی برای سرمایه اجتماعی و پیش‌شرطی بنیادی برای تحقق دموکراسی، سامان اجتماعی و نظم اجتماعی پویا و در نهایت توسعه در همه ابعاد آن است. وجود اعتماد مؤلفه اصلی تمام روابط اجتماعی است (زتومکا، ۱۳۸۷: ۴) و یکی از عناصر نظم اجتماعی به شمار می‌رود؛ نظمی که روابط، مناسبات، اعمال، رفتار و کنش‌های کنشگران را پیش‌بینی‌پذیر، الگودار و قاعده‌مند می‌سازد (ازکیا و حسینی‌راد، ۱۳۸۸: ۹) و در نتیجه زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌شود (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۴۰). با توجه به این مسئله می‌توان گفت در صورت گسترش بی‌اعتمادی در جامعه، زمینه عدم تفاهم و انفکاک به وجود می‌آید و به تضعیف هویت جمعی و عدم توافق بین افراد می‌انجامد.

یزد شهری دارای فرهنگ شبه‌سنتی است که به دارالعباده معروف شده است و نیز شهری است که به دلیل امکانات دانشگاهی، پزشکی و گردشگری مهاجرپذیر است؛ بنابراین بین بومی و مهاجر در این شهر شکاف وجود دارد. از طرف دیگر، به دلیل آنکه زرتشتیان از گذشته در این شهر بوده‌اند شکاف دینی نیز خود را نشان می‌دهد. بر این اساس برای بر خورداری از وفاق اجتماعی در این شهر وجود میزان مقبولی از اعتماد اجتماعی لازم است. بنابراین در پژوهش حاضر ما به دنبال آن هستیم که بدانیم وضعیت اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی در بین شهروندان یزدی چگونه است و آیا بین اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؟

## اهمیت موضوع

وفاق موجب حفظ آرامش عمومی و کاهش احتمال توسل به خشونت در حل منازعه‌هاست؛ میزان همکاری میان گروه‌ها را افزایش می‌دهد؛ و خطر اعمال اجبار از جانب گروه‌های نیرومند را کم می‌کند. اجماع این کارکرد را از چند طریق ایفا می‌کند: اول از طریق تقلیل نفس احتمال اختلاف نظر، دوم تحدید شدت پابندی به اهداف متنازع‌فیه، سوم از طریق ایجاد آمادگی بیشتر برای پذیرش شیوه‌های مسالمت‌آمیز رفع اختلاف‌نظرها و چهارم از طریق تشدید حس هویت و همبستگی جمعی. اجماع نیرویی مقابل شکاف‌ها و تعارض‌های اجتماعی-سیاسی است و همکاری میان بلوک‌های مختلف اجتماعی را که براساس شکاف‌ها شکل می‌گیرند افزایش می‌دهد. هرچه اهداف و غایات این بلوک‌ها اشتراک بیشتری پیدا کند میزان اجماع و وفاق افزایش می‌یابد. در نتیجه اشتراک در اهداف اختلاف در روش‌ها و ابزار را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و از گرایش روش‌ها و ابزار به خشونت و نابه‌سامانی اجتماعی و سیاسی می‌کاهد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۶۲).

برای پی‌بردن به اهمیت موضوع باید به نقش وفاق در نظم اجتماعی و سپس به اهمیت اعتماد اجتماعی برای جامعه اشاره کنیم. نظم اجتماعی<sup>۱</sup> را می‌توان به شکل‌های مختلف طبقه‌بندی کرد: یکی نظم بیرونی<sup>۲</sup> یا نظم سیاسی و دیگری نظم درونی<sup>۳</sup> یا نظم وفاقی. نظم درونی (نظم وفاقی) به علت وجود وفاق اجتماعی از موهبت اعتماد اجتماعی دو جانبه، تعهد درونی تعمیم‌یافته، نوعی همدلی ملی و ثبات بهره‌مند است. سازگاری اجتماعی عمدتاً از نوع درونی است و اعضای جامعه داوطلبانه و از روی احساس تکلیف انجام وظیفه می‌کنند. در چنین نظامی اجتماع عام انحصار منابع و پاداش‌های ارزشمند را اساساً خود در اختیار می‌گیرد، بنابراین مرزهای اجتماعی بیشتر مسدودند و بالتبع قدرت مانور نیروهای گریز از مرکز کمتر است. به علت وجود وفاق اجتماعی حفظ طراوت فرهنگی به صورت‌های مختلف از جمله فرایند قدسی شدن متناوب و به دنبال آن کنترل و مدیریت جریان انرژی عاطفی در جامعه به راحتی میسر است. در نظم سیاسی نظم اجتماعی به صورت بیرونی و از بالا با پشتوانه قدرت اعمال و مستقر می‌شود. اعضای جامعه در این نظم با توجه به منافع خود به سازگاری بیرونی

<sup>1</sup> Social order

<sup>2</sup> External order

<sup>3</sup> Internal order

تن می‌دهند. در چنین نظامی وفاق اجتماعی بسیار ضعیف و شکننده است (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۸-۱۹).

از طرف دیگر، وفاقی که در پی نظم سیاسی به وجود می‌آید، در قبال تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیار ضعیف است؛ چراکه بر مبنای اعتماد اجتماعی و مشارکت و تعهد درونی افراد و از روی خواست عموم و مطابق با میل مردم شکل نگرفته است. در حالی که تمام کارکردهای نظم وفاقی یا درونی عکس آن است و از این رو ثبات و همکاری و اعتقاد و هویت جمعی این نظم جامعه را از چندپارگی ایمن می‌کند و بستری مناسب برای توسعه می‌سازد و چون در نظم وفاقی شکاف بین اخلاق در بعد نظری و عملی کاهش می‌یابد، نظارت اجتماعی بیشتر بر اساس احساس تقصیر و شرم استوار خواهد بود نه ترس، زور و ارباب، افراد نیز چون در خود تعهد درونی حس می‌کنند کمتر از قواعد اجتماعی سرپیچی خواهند کرد (جهان‌بین، ۱۳۷۸: ۹۲).

اعتماد اجتماعی نیز به مثابه متغیری مستقل و اثرگذار بر وفاق از اهمیت زیادی برخوردار است. از اهمیت اعتماد می‌توان در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بحث کرد. در باب اهمیت اجتماعی اعتماد می‌توان به چند نکته اشاره کرد: اول اینکه اعتماد انتظام اجتماعی ایجاد می‌کند و موجب انسجام و تعاون اجتماعی می‌شود و از این طریق بر کاهش جرایم و تقویت تعاون و همکاری اجتماعی اثر مثبت دارد. دوم اینکه استفاده رایگان از منابع جمعی را تسهیل می‌کند و سوم اینکه تعاملات اجتماعی را تنظیم می‌کند و روابط اجتماعی را روان و بی‌اشکال می‌سازد (قاسمی، ۱۳۸۳: ۳۴).

از طرف دیگر، در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی، اعتماد به منزله سازوکاری اجتماعی با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روان‌شناسی خود نقش مهمی ایفا می‌کند؛ در واقع زندگی انسان بدون احساس اعتماد به خود، اعتماد به آینده و اعتماد به جهان پیرامون با اضطراب و کشمکش تحمل‌ناپذیری همراه است که ممکن است باعث ازهم‌پاشیدگی روان فرد و نابودی او شود. اعتماد رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطه او را با دیگران و جهان به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌کند تا فرد بتواند آرامش، امنیت، آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند (قدیمی، ۱۳۸۶: ۹۰). با توجه به مطالب مزبور وفاق اجتماعی در جامعه کارکردهای بسیاری دارد که ایجاد و تقویت نظم اجتماعی یکی از این کارکردهاست و اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از عوامل

مؤثر بر آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اعتماد اجتماعی از طریق تأثیرگذاری بر همکاری و مشارکت اجتماعی بر وفاق و نظم اجتماعی مؤثر است.

### پیشینه خارجی و داخلی تحقیق

۱. کاستل فرانچی و فالکونه (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «اعتماد اجتماعی، یک نظریه شناختی» به بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و زمینه روانی و کالت در رم پرداخته‌اند. از نظر آنها اعتماد اجتماعی هم موضوعی روانی و هم موضوعی اجتماعی است. آنها پس از بررسی ابعاد اعتماد اجتماعی (اخلاق، شهرت و اقتدار) شرح می‌دهند که چرا قول‌ها، پیمان‌ها و مشروعیت‌ها می‌توانند اعتمادمان را به وسیله اصلاح کردن بازنمایی روانی افزایش دهند. آنها تعریفی نیز از اعتماد براساس عوامل شناختی ارائه و شرح می‌دهند که چه زمانی اعتماد عاقلانه است و چه زمانی نیست.

۲. رایزر و همکاران (۲۰۰۱) در تحقیقی که درباره اعتماد اجتماعی انجام دادند به بررسی متغیرهای اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به افرادی غیر از دوستان و خویشاوندان و دوستان نزدیک، اعتماد به نهادهای عمومی و مشارکت در نهادهای مدنی پرداختند و نشان دادند که بین متغیرهای بررسی شده با اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

۳. مقاله‌ای با عنوان «وفاق و مشارکت اجتماعی» نوشته حمیدرضا عبداللهی به بررسی تأثیر متقابل وفاق و مشارکت اجتماعی می‌پردازد. نویسنده با اشاره به اینکه وفاق و مشارکت به عنوان عناصر اصلی سرمایه اجتماعی به جهت ارتباط مستقیمی که با بسیاری از متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند، کانون توجه بسیاری از اندیشمندان هستند، با ارائه تعاریف و پیشینه نظری سعی کرده است ارتباط و اهمیت این دو متغیر را به طور ملموس بیان کند.

۴. مقاله «بررسی رابطه اعتماد و وفاق اجتماعی روستاییان و نقش آن در توسعه» نوشته حمیدرضا عبداللهی و سیدمسعود رجبی به بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی در بین روستاییان پرداخته است. نویسندگان در چارچوب یک جامعه آماری معین (کلیه افراد ۲۰ سال به بالای ساکن روستای نیکنامه) به سنجش رابطه بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود میزان بالای اعتماد و متعاقب آن وفاق اجتماعی نزد روستاییان منطقه است. نویسندگان معتقدند می‌توان از این وضعیت اجتماعی-فرهنگی در جهت عمران روستا بیشترین بهره را برد.

۵. «بررسی نقش اعتماد عمومی در همبستگی ملی» نوشته مولود رضاپناه عنوان مقاله بعدی است. نویسنده با ارائه تعریفی جامع از مفهوم اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی را از پیامدهای تأثیرگذار اعتماد دانسته و به بررسی روابط متقابل آن دو پرداخته است. نویسنده معتقد است به منظور ایجاد و پیشبرد همبستگی ملی در کشور ابتدا باید یکی از پیش شرط‌های اساسی آن یعنی اعتماد اجتماعی را تقویت کنیم.

### چارچوب نظری

اعتماد را می‌توان مهم‌ترین مسئله پارادایم نظم و محور تفکر جامعه‌شناسانی نظیر دورکیم و تونیس قلمداد کرد (آراسته و رزقی شیرسوار، ۱۳۸۸: ۱۰۴). به عقیده بسیاری از آنان اعتماد اغلب مترادف با انسجام است. آنها هریک به درجات متفاوت سه وجه از نظم اجتماعی را که سازوکارهای نهادی تقسیم کار اجتماعی مانند بازار قادر به تبیین آنها نبودند متذکر شدند. این وجوه به این شرح است: نخست، ساخت و شکل‌گیری اعتماد و انسجام که به‌ویژه دورکیم و تونیس بر آن تأکید می‌کردند. دوم، ابعاد مربوط به تنظیم قدرت و غلبه بر تمایلات استثماری موجود در آن که بیشتر مارکس و ویر بر آن تأکید می‌کنند و سوم، ایجاد معنا و مشروعیت‌بخشی به اعمال اجتماعی مختلف که همه آنها به انحای مختلف بر آن تأکید داشتند (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۰: ۴۳).

دورکیم با پذیرش بحران اخلاقی و مسئله‌ساز شدن ایمان، وظیفه خود را جست‌وجو در وسائل دستیابی به نظم جدید می‌داند. توجه او به نظم جامعه‌ای و سازوکارهای انسجام اجتماعی، اعتقاد او را به این موضوع بیشتر می‌کند که هدف علوم اجتماعی باید ایجاد اخلاقی باشد که بتواند آنومی را مهار کند. او در نظریه خود درباب تحول همبستگی مکانیک به همبستگی ارگانیک جوامع مدرن، مفروض می‌گیرد که تقسیم کار همبستگی جدیدی ایجاد می‌کند و این نوع جدید همکاری اجتماعی به نظم و اخلاقی جدید ختم می‌شود که به جامعه انسجام می‌بخشد. آنچه در نظریه دورکیم انسجام را به اعتماد ربط می‌دهد این است که در ادبیات جامعه‌شناسی دیدگاه او به‌مثابه اجتماع اخلاقی مطرح است و این نوع جامعه نیاز قطعی به انتظام دارد که این خود تا حدی نشان‌دهنده توانایی آن جامعه در بسط عادت‌های خود است. این امر محیط اجتماعی را کلیشه‌ای، منظم و بنابراین مملو از اعتماد می‌سازد (همان: ۶۰-۶۲).

تحلیل جایگاه اعتماد در نظم اجتماعی با ظهور مکتب کارکردگرایی و ساختاری-کارکردی توسعه یافت. در نظر اندیشمندان این مکتب وجوه نظم اجتماعی از جمله اعتماد و انسجام پیش‌نیازهایی تعریف شدند که هر نظام اجتماعی باید آنها را برآورده کند (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۴). از میان متفکران این نحله احتمالاً پارسونز مهم‌ترین جامعه‌شناسی است که مسئله نظم اجتماعی در رهیافت او نقش محوری دارد. تحلیل او از اعتماد اجتماعی و اهمیت آن در بحث نظم اجتماعی و روش‌های نهادینه‌شدن آن اصلی‌ترین مفاهیم جامعه‌شناسی کلاسیک تلقی می‌شود (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۰: ۴۴).

در دیدگاه پارسونز، اعتماد نگرش یا احساسی است مبتنی بر آشنایی و فرهنگ مشترک که باید فراگرفته شود (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۵). او اعتماد را عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و ثبات و نظم می‌داند. به عقیده او اعتماد این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دست‌یابی به یک موقعیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. اعتماد در واقع موجب می‌شود که دیگران به تعهد و مسئولیتشان عمل کنند و موقعیت دیگران را درک کنند (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۴).

در میان نظریه‌پردازان جدید باربارا میستال به گونه‌ای دیگر بحث اعتماد و نظم را پیش می‌کشد. او سه نوع نظم و اقسام اعتماد متقارن با آن را توضیح می‌دهد: نظم ثابت، نظم معاضدتی و نظم انسجام‌بخش. نظم ثابت در نتیجه مراعات قواعد عمومی به وجود می‌آید. افراد عضو جامعه این قواعد را ناخودآگاه و نیندیشیده درونی می‌کنند. منشأ این نوع نظم چیزی است که پیر بورديو متفکر و جامعه‌شناس فرانسوی آن را ملکه می‌خواند؛ ملکه مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و استعدادهاست که پر دوام هستند و با واسطه موقعیت‌های عینی تولید می‌شوند. هر نظام مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و اعمال پیش‌پای افراد جامعه قرار می‌دهد که از طریق آنها نظم اجتماعی محقق و معنادار می‌شود؛ این مجموعه همان ملکه است. به این ترتیب می‌توان اعتماد را ملکه‌ای دانست که حافظ ثبات نظم اجتماعی است که مسئله اصلی آن تداوم نظم است. نظم معاضدتی نیز از نوعی اعتماد ناشی می‌شود که بعضی محققان از آن با عنوان "اعتماد به‌مثابه سیاست یا خط‌مشی" یاد می‌کنند. در این نظم آنچه محوری است برداشت و ادراک از سازوکارهای کنترل اجتماعی است. برای آنکه جامعه‌ای از همبستگی برخوردار شود و به تبع آن نظمی معاضدتی به وجود آید، باید جامعه از خیر عمومی و جمعی بسیاری بهره‌مند شود. در



نظم ثابت بیشتر جامعه غیررسمی مدنظر است، ولی در نظم معاضدتی انتظام حاصل اطاعت خود آگاهانه از قواعد و احکام رسمی است (قاسمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۴۱).

به عقیده زتومکا اعتماد نه تنها برای شرکا بلکه برای اجتماعات گسترده‌تر نیز کارکردهای مهمی دارد. اول از همه مردم‌داری، باعث بسط مشارکت با دیگران در انجمن‌های مختلف، تقویت شبکه‌ای از پیوندهای بین شخصی و تعاملات اجتماعی می‌شود و زمینه را برای افزایش تماس‌های صمیمی و گرم بین شخصی فراهم می‌کند. در درجه دوم اعتماد گسترش ارتباطات را تسهیل می‌کند و بر نشانه‌های مربوط به غفلت جمعی که مانع کنش جمعی خودانگیزه هستند، غالب می‌شود. سوم اینکه فرهنگ اعتماد پیوستگی فرد به اجتماع (خانواده، کشور، کلیسا و...) را تقویت می‌کند و بر احساسات مربوط به هویت تأثیر می‌گذارد. چهارم اینکه وقتی فرهنگ اعتماد محقق می‌شود، هزینه‌های انجام کارها به میزان زیادی کاهش و فرصت برای تعاون و همکاری افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، بی‌اعتمادی سرمایه اجتماعی را دچار فرسایش می‌کند و موجب انزوا، تجزیه، شکست انجمن‌ها و نابودی شبکه‌های بین شخصی می‌شود؛ مسیرهای ارتباطات را مسدود می‌کند؛ و موجب جدایی اعضای جامعه از یکدیگر می‌شود (همان: ۱۸۶ و ۱۸۷).

#### فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد میزان اعتماد اجتماعی در شهر یزد بالاست.
- به نظر می‌رسد میزان وفاق اجتماعی در شهر یزد بالاست.
- به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان وفاق اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

#### روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی کمی و به روش توصیفی-پیمایشی انجام شده است. تکنیک اصلی گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است. جامعه آماری را شهروندان یزدی ۱۵ ساله و بالاتر تشکیل داده‌اند که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد آنها ۳۹۴۷۰۷ نفر بوده است و با استفاده از فرمول کوکران ۳۱۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه‌گیری از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. در این تحقیق، برای سنجش اعتبار از اعتبار محتوایی استفاده شده است. منظور از اعتبار محتوایی شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش است. وفاق داوران درباره بررسی شاخص‌ها دلیلی بر اعتبار پژوهش است

(ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۳۹). برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای برآورد پایایی ۳۵ پرسش‌نامه در مرحله پیش‌آزمون مورد استفاده قرار گرفت. میزان آلفای کرونباخ هریک از متغیرهای تحقیق در جدول ۱ آمده است. تجزیه و تحلیل آماری داده‌های این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. یافته‌های توصیفی دربرگیرنده اطلاعاتی درباره تعداد آزمودنی‌ها و سؤالات پرسش‌نامه از لحاظ درصد و فراوانی و میانگین است و در آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ ابعاد وفاق اجتماعی و اعتماد اجتماعی

گویه‌ها	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
وفاق ارزشی	۱۹	۰/۸۴
وفاق هنجاری	۱۲	۰/۷۵
وفاق احساسی	۲۰	۰/۹۴
اعتماد اجتماعی	۴۰	۰/۷۲

### تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرها

#### الف. وفاق اجتماعی

تعریف نظری: وفاق اجتماعی عبارت است از توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعاملی اجتماعی که خود موجد انرژی عاطفی است صورت می‌گیرد؛ انرژی عاطفی هم‌زمان نتیجه و موجد توافق اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۷).

تعریف عملیاتی: برای عملیاتی کردن این مفهوم از ۱۹ گویه به شرح زیر استفاده شد:

۱. به کتاب‌هایی که مخالف عقاید دینی است نباید اجازه چاپ داده شود. ۲. به افرادی که با عقاید رایج دینی مخالف‌اند نباید اجازه سخنرانی داد. ۳. قانون اساسی فعلی ایران باید تغییر کند تا جوابگوی نیازهای روز گردد. ۴. دیانت و سیاست دو مقوله جدا از هم هستند. ۵. اگر دین از سیاست جدا باشد پاک‌تر می‌شود. ۶. اقوام مختلف (فارس، لر، کرد، عرب، بلوچ، ترک، ...) با هم برابرند. ۷. دین یک باور فردی است و ربطی به زندگی اجتماعی ندارد. ۸. خداوند خالق جهان است و امور جهان به اراده او می‌چرخد. ۹. پس از مرگ قیامت وجود دارد و به وضعیت انسان رسیدگی می‌شود. ۱۰. پیامبر اسلام آخرین پیامبر الهی است. ۱۱. بدون

تقلید هم می‌توان دین‌دار بود. ۱۲. اگر انسان قلبش پاک باشد دین‌دار است ولو اینکه نماز و روزه‌اش را به‌جا نیاورد. ۱۳. حلال بودن یا نبودن مال چندان اهمیتی ندارد. ۱۴. قانون اساسی فعلی همانند سال ۱۳۵۷ نیازمند اصلاح است. ۱۵. روابط فامیلی باید همیشه حفظ شود. ۱۶. آداب و رسوم و سنت‌ها باید در هر صورت اجرا شود. ۱۷. مراسم و اعیادی چون عید نوروز باید برای همیشه باقی بماند. ۱۸. همه باید در جهت حفظ زبان فارسی بکوشیم. ۱۹. همه باید به بزرگ‌ترهای خانواده احترام بگذارند.

#### ب. اعتماد اجتماعی

تعریف نظری: اعتماد را می‌توان حسن‌ظن فرد درباره اعضای جامعه تعریف کرد که موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آنها می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۲).  
تعریف عملیاتی: برای عملیاتی کردن مفهوم اعتماد اجتماعی از ۲۰ گویه استفاده شده است (به‌عنوان شهروند میزان اعتماد خود را به هریک از افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای زیر را بیان کنید) که عبارت‌اند از: خانواده، اقوام، دوستان، همسایگان، همکاران، اهالی محل، کسبه محل، مذاهب مختلف، اقوام مختلف، هیئت دولت، دادگستری، مجلس، صداوسیما، روزنامه‌ها و مجلات، احزاب و گروه‌های سیاسی، پلیس، روحانیون، امام‌جمعه، مؤذن.

#### یافته‌های پژوهش

##### ویژگی‌های کلی جامعه آماری

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که به‌لحاظ جنسیت ۱۳۴ نفر (۴۲/۴ درصد) از پاسخگویان مرد و ۱۸۲ نفر (۵۷/۶ درصد) زن و به‌لحاظ وضعیت تأهل ۱۲۴ نفر (۳۹/۲ درصد) مجرد و ۱۹۲ نفر (۶۰/۸ درصد) متأهل و از‌لحاظ مذهب ۳۰۸ نفر (۹۷/۵ درصد) شیعه، ۳ نفر (۰/۹ درصد) سنی و ۵ نفر (۱/۶ درصد) سایر و به‌لحاظ تحصیلات ۶۰ نفر (۱۸/۹ درصد) کمتر از دیپلم، ۹۹ نفر (۳۱/۳ درصد) دیپلم، ۱۲۰ نفر (۳۸ درصد) فوق‌دیپلم، ۱۵ نفر (۴/۷ درصد) لیسانس، ۳ نفر (۰/۹ درصد) فوق‌لیسانس و ۱ نفر (۰/۳ درصد) دکتری و به‌لحاظ میزان درآمد ۸۸ نفر (۲۷/۸ درصد) با درآمد ۳۰۰ هزار تومان و کمتر، ۱۳۷ نفر (۴۳/۴ درصد) با درآمد ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان، ۵۹ نفر (۱۸/۷ درصد) با درآمد ۶۰۱ تا ۹۰۰ هزار، ۱۶ نفر (۵/۱ درصد) با درآمد ۹۰۱ تا یک میلیون و ۵۰ هزار و ۱۱ نفر (۳/۵ درصد) با درآمد یک میلیون و ۵۰ هزار و بیشتر بوده‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی نمونه تحت بررسی برحسب متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، مذهب، تحصیلات و درآمد

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق		
۴۲/۴	۱۳۴	مرد	جنسیت
۵۷/۶	۱۸۲	زن	
۳۹/۲	۱۲۴	مجرد	تأهل
۶۰/۸	۱۹۲	متأهل	
۹۷/۵	۳۰۸	شیعه	مذهب
۰/۹	۳	سنی	
۱/۶	۵	سایر	
۱۸/۹	۶۰	کمتر از دیپلم	تحصیلات
۳۱/۳	۹۹	دیپلم	
۳۸/۰	۱۲۰	فوق دیپلم	
۴/۷	۱۵	لیسانس	
۰/۹	۳	فوق لیسانس	
۰/۳	۱	دکتری	
۲۷/۸	۸۸	۳۰۰ هزار و کمتر	درآمد
۴۳/۴	۱۳۷	۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار	
۱۸/۷	۵۹	۶۰۱ تا ۹۰۰ هزار	
۵/۱	۱۶	۹۰۱ تا یک میلیون و ۵۰ هزار	
۳/۵	۱۱	یک میلیون و ۵۰ هزار و بیشتر	

#### آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: به نظر می‌رسد میزان اعتماد اجتماعی در بین شهروندان یزدی بالاست.

برای پی‌بردن به وضعیت اعتماد اجتماعی در بین شهروندان یزدی از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. این آزمون زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه داریم و می‌خواهیم میانگین آن را با حالت معمول و رایج، استاندارد یا حتی عددی فرضی مقایسه کنیم (صفری شال و گتایی، ۱۳۸۸: ۵۳۸). بدین منظور برای به‌دست آوردن میانگین مورد انتظار نمره میانه اعتماد اجتماعی را محاسبه و به‌عنوان نمره مورد انتظار استفاده کردیم. در اینجا نمره میانه ۱۲۰ به دست آمده است. در جدول زیر آزمون تی تک‌نمونه‌ای اعتماد اجتماعی ارائه شده است.

جدول ۳. وضعیت اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان

متغیر	تی	تفاوت میانگین	نمره مورد انتظار	میانگین	معناداری
اعتماد اجتماعی	۲/۶۸۲	۳/۴۹۴	۱۲۰	۱۲۳/۴۹	۰/۰۰۸

جدول ۳ وضعیت اعتماد اجتماعی را با توجه به آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد. با توجه به داده‌های این جدول مقدار آزمون تی تک‌نمونه‌ای (۲/۶۲۸) نشان می‌دهد که با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ تفاوت آماری معناداری بین دو میانگین واقعی و مورد انتظار وجود دارد. با توجه به این نتیجه می‌توان گفت که فرضیه صفر ابطال می‌شود و فرضیه یک تأیید می‌شود، یعنی اعتماد اجتماعی در میان شهروندان یزدی بالاست.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد میزان وفاق اجتماعی در بین شهروندان یزدی بالاست. برای آزمون این فرضیه نیز از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. نمره مورد انتظار برای وفاق اجتماعی برابر با ۱۵۳ بوده است که نتیجه آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴. وضعیت وفاق اجتماعی بین شهروندان

متغیر	تی	تفاوت میانگین	نمره مورد انتظار	میانگین	معناداری
وفاق اجتماعی	۱۸/۹۵۷	۲۳/۳۶۱	۱۵۳	۱۷۶/۳۶	۰/۰۰۰

در جدول ۴ مقدار آزمون تی برابر با ۱۸/۹۵۷ است که این مقدار با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ تفاوت آماری بین میانگین واقعی و نمره مورد انتظار را نشان می‌دهد. با توجه به این نتیجه فرضیه صفر ابطال و فرضیه یک تأیید می‌شود، یعنی میزان وفاق اجتماعی در بین شهروندان یزدی بالاست.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.

برای پی‌بردن به رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان وفاق اجتماعی از آزمون پیرسون استفاده شده است. جدول ۵ رابطه بین اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی و ابعاد آن را نشان می‌دهد.

جدول ۵. رابطه بین اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی بین شهروندان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار آر پی‌رسون	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	وفاق هنجاری	۰/۲۴۵	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	وفاق ارزشی	۰/۴۵۵	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	وفاق احساسی	۰/۶۸۱	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	وفاق اجتماعی	۰/۶۷۸	۰/۰۰۰

با توجه به داده‌های جدول ۵ بین اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی (ضریب همبستگی پی‌رسون =  $0/678$  و سطح معناداری =  $0/000$ ) رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش اعتماد اجتماعی وفاق اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه صفر ابطال و فرضیه یک تأیید می‌شود. در این جدول رابطه بین اعتماد اجتماعی و ابعاد وفاق اجتماعی نیز ارائه شده است. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، بیشترین میزان همبستگی اعتماد اجتماعی با بعد احساسی وفاق اجتماعی و کمترین آن با بعد هنجاری است.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به شکل‌گیری پدیده‌های جدید مانند جهانی‌شدن، انقلاب در حوزه‌ها و مسائل ارتباط جمعی و فناوری‌های جدید ارتباطی و کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی، مسئله یک‌پارچگی جوامع و وفاق بر سر مسائل اساسی از جمله موضوع‌های مهم به‌شمار می‌رود. این مسئله به‌صورت‌های گوناگون مانند همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی از گذشته‌ها کنون توجه اندیشمندانمانند دورکیم، تونیس پارسونز بوده است. وفاق اجتماعی توافق جمعی مردم بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی تعریف شده است. پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی در بین شهروندان یزدی پرداخته است. با توجه به اینکه وفاق اجتماعی به صورت خاص هدف توجه نبوده است، این مسئله به صورت‌هایی مانند انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی بررسی شده است. برای این منظور دیدگاه اندیشمندانمانند پارسونز، میستال، دورکیم و زتومکا در حوزه نظم اجتماعی در نظر بوده است. با توجه به دیدگاه‌های پارسونز و میستال که معتقدند اعتماد اجتماعی بر نظم اجتماعی مؤثر است، فرضیه‌های تحقیق طرح گردید. نتایج تحقیق نشان داد که وضعیت اعتماد اجتماعی در میان شهروندان یزدی در حد مطلوبی قرار دارد. در شهرهایی مانند یزد، که بافت سنتی خود را حفظ کرده‌اند، این نتیجه مورد انتظار بوده است. از دیگر نتایج تحقیق اینکه وفاق اجتماعی

با میانگین ۱۷۶/۳۶ و تفاوت میانگین ۲۳/۶۳ در سطح مطلوبی قرار دارد. در میان ابعاد وفاق اجتماعی هر سه بعد معنادار شدند، اما این معناداری برای هر سه بعد به یک اندازه نیست. در میان این ابعاد بعد ارزشی با میانگین ۷۳/۷۶ و تفاوت میانگین ۱۶/۷۷ بهترین وضعیت را دارد؛ پس از آن بعد هنجاری با میانگین ۳۹/۶۳ و تفاوت میانگین ۳/۶۲ و در نهایت بعد احساسی با میانگین ۶۲/۹۶ و تفاوت میانگین ۲/۹۶ قرار دارد. بنابراین شهروندان یزدی از نظر ارزشی توافق بیشتری دارند؛ یعنی در اصول و قواعد ارزشی جامعه دارای یک‌پارچگی بیشتری هستند و پس از آن ابعاد هنجاری و احساسی قرار دارند. با توجه به دیدگاه‌های پارسونز، میستال و زتومکا که معتقدند اعتماد اجتماعی بر نظم اجتماعی تأثیرگذار است، در این پژوهش رابطه‌ای نسبتاً قوی و معنادار بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و نظم اجتماعی نشان داده شد. از نظر پارسونز، میستال و زتومکا اعتماد اجتماعی باعث ایجاد همبستگی و انسجام در جامعه می‌شود. به عقیده پارسونز اعتماد اجتماعی این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دست‌یابی به موقعیت گروهی خوب از منافع شخصی دست می‌کشند و به تعهدات و وظایفشان پایبند می‌مانند. این فرایند باعث ایجاد تعاون و پیش‌بینی‌پذیری رفتار افراد می‌شود؛ یعنی دو مسئله‌ای که از نظر الستر مبنای نظم در جامعه است (جلبی، ۱۳۷۵). بنابراین می‌توان گفت اعتماد اجتماعی باعث ایجاد وفاق اجتماعی بیشتری می‌شود. از آنجا که اعتماد اجتماعی تأثیر درخور توجهی بر وفاق اجتماعی دارد، باید به‌عنوان متغیری بسیار مهم و تأثیرگذار به منظور بهبود وفاق اجتماعی و نظم اجتماعی به آن توجه شود و در این حوزه پژوهش‌های عمیق‌تری به منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی و وضعیت آن در جامعه انجام گیرد.

درباره متغیرهای زمینه‌ای بین میزان درآمد سرپرست خانوار و میزان وفاق اجتماعی رابطه معنی‌دار ولی معکوس برقرار است. سن رابطه ضعیف ولی معنی‌داری با وفاق اجتماعی داشته است. در باب قومیت و میزان وفاق اجتماعی این رابطه معنی‌دار نبوده است. زیرپوست شهر یزد، با وجود برخورداری از پیشینه سنتی و مذهبی و دارا بودن وفاق اجتماعی، به دلیل تحولات بیرونی و درونی شکاف‌های اجتماعی در حال فعال شدن هستند؛ مهم‌ترین آنها شکاف بین نهادها و ارزش‌های سنتی و مدرن است که خود را در چهره‌های شکاف بین مهاجران و بومی‌ها و نیز شکاف بین نوگراها و سنت‌گراها نشان می‌دهد.

منابع

- آراسته، حمیدرضا و هادی رزقی شیرسوار (۱۳۸۸) «ارزیابی اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های کشور»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۲: ۹۹-۱۱۷.
- ازکیا، مصطفی و کریم حسینی راد (۱۳۸۸) «نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۱: ۷-۲۷.
- امام‌جمعه، فرهاد (۱۳۸۵) «تحلیل جامعه‌شناختی همبستگی اجتماعی و فرهنگی در ایران (با تأکید بر عملکرد کلان رسانه‌های جمعی)»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۱: ۹۶-۱۰۳.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰) «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نمایه پژوهش، سال پنجم، ویژه اعتماد اجتماعی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶) عقل در سیاست: سی‌وپنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی، تهران: نگاه معاصر.
- جعفری‌نژاد، عفت (۱۳۸۴) تحلیل برخی از عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی در شهر اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- جهانبین، داریوش (۱۳۷۸) «فرهنگ، وفاق اجتماعی و خشونت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶: ۸۷-۱۰۸.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۲) «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۳: ۱۵-۲۸.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹) «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن»، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، پیش شماره: ۳۹-۶۶.
- دوریان، پاتریک و توماس فرارو (۱۳۸۶) مسئله همبستگی؛ نظریه‌ها و مدل‌ها، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: تمدن ایرانی.
- روحانی، حسن (۱۳۸۵) «نقش آموزش و پرورش در انسجام اجتماعی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۲: ۷-۲۴.
- روشه، گی (۱۳۷۰) کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۷) اعتماد نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه.



زین آبادی، مرتضی (۱۳۸۷) «تئوری‌ها و نظریات مربوط به اعتماد در جامعه»، پژوهشنامه ۱۶ اعتماد/اجتماعی، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. شماره ۱۶: ۷-۱۲۷.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۰) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، بینش‌ها و فنون، جلد دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صفری‌شال، رضا و کریم حبیب‌پور گنابی (۱۳۸۸) راهنمای جامع کاربرد اس‌پی‌اس‌اس در تحقیقات پیمایشی، تهران: لویه.

عبداللهی، حمیدرضا (۱۳۹۰) «وفاق و مشارکت اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگر»، پژوهشنامه علوم اجتماعی شماره ۷۵: ۶۵-۷۵.

عبداللهی، حمیدرضا و مسعود رجبی (۱۳۹۰) «بررسی رابطه اعتماد و وفاق اجتماعی روستاییان و نقش آن در توسعه» پژوهشنامه علوم اجتماعی شماره ۷۵: ۹۳-۱۰۶.

قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۳) «اعتماد و نظم اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره پیاپی: ۲۹-۴۸.

قدیمی، مهدی (۱۳۸۶) «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن بین دانشجویان دانشگاه زنجان»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳: ۳۲۶-۳۵۶.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.  
مصطفایی، عبدالمحمد (۱۳۸۸) وفاق اجتماعی، آسیب‌شناسی و راهبردهای گسترش آن، تهران: آوای نور.

میرمحمدی، داوود (۱۳۸۰) «رهیافت نظری تحلیل رقابت سیاسی و وفاق اجتماعی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹: ۷۱-۹۹.

وثوقی، منصور و علی اکبر نیک‌خلق (۱۳۸۶) مبانی جامعه‌شناسی، تهران: بهینه.  
وحید، فریدون (۱۳۷۸) «خرده فرهنگ‌ها، پس‌افتادگی فرهنگی و وفاق و نظم اجتماعی»، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۲۱: ۲۲-۲۹.

منصوریان، محمدکریم و حسین قدرتی (۱۳۸۸) «اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا نهادمحور؟»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۴: ۱۸۹-۲۱۵.

Castel Flanch, Cristiano and Falcone Rino (2003) *Social Trust*, National Research Council, Institute of Psychology, Roma, Italy.

- Letki, N. (2008) "Does Diversity Erode Social Cohesion?"  
*Journal of Political Studies*, 59 (8): 664–669.
- Raiser, M., C. Haerpfer, T. Nowotny and C. Wallace (2001)  
"Social Capital in Transition: A First Look at the Evidence",  
*Working Paper No .61*, European Bank for Reconstruction and  
Development.
- Simmel, G. (2004) "*The Philosophy of Money*", translated by T.  
Bottomor, London: Routledge Press.

Archive of SID